

متن پرسش

سلام حضرت استاد: وقت شریف بخیر. استادی به بنده فرمودند «چون گرفتار خیالات هستم شعر نخوانم حتی مثنوی، ضمن اینکه فلسفه هم دارم می خوانم» و اینکه علامه طباطبایی به دکتر دینانی زمانی که مشغول خواندن فلسفه بودند و ضمناً شبها با دوستانشان قرار گذاشته بودند شعر بگویند فرمودند که شعر گفتن را ترک کنند. برای بنده شبهه ایجاد شده: اولاً مثنوی و بوستان خیالات صادق را رشد می دهند و ثانیاً علاوه بر خیال چون حکمت اند باعث رشد صورتی از عقل می شوند و ثالثاً در باب تعارض خواندن فلسفه و خواندن شعر یا سرودن آن می توان گفت سه مقام داریم: ۱. مقام اقامه برهان که استخراج اصول و فهم اصول است (سیر در اصول و کلیات) ۲. مقام تبیین برهان (سیر از کل به جزء) ۳. مقام فهم برهان که خود دو مرحله می شود: الف) فهم با عصای مثال که بنده در آن قرار دارم و ب) فهم بدون مثال. وضعیت ما و مقامی که در آن هستیم تعیین می کند شعر بخوانیم یا نه؟ برای امثال بنده که در مقام فهم برهان از طریق مثال هستیم مثنوی کمک زیادی می کند تا بتوانیم عبور کنیم و رشد خیال به رشد عقلمان کمک می کند تا به مقام عقل (عین التفکر شدن) برسیم (سیر از جزء به کل) اما شاید جناب دکتر دینانی در مقام فهم برهان بدون مثال بودند و علامه می خواستند شخصیت عقلیشان تثبیت شود و شعر وقفه ایجاد می کرد (سیر در کلیات و اصول) اما چرا ابن سینا موقع نوشتن فلسفه شعر نمی خواندند؟ شاید چون مشغول استخراج اصول بود و شعر باعث ماندن در جزء می شد. ۲. صرف وقوع خارجی خواب یا مکاشفه دلیل بر حق بودن آن نیست و باید با میزان عقل و شرع سنجیده شود مثل برادری که در «هدف حیات زمینی آدم» اشاره فرمودید. درست متوجه شده ام؟ ۳. گاهی پیش بینی حادثه ای را در آینده می کنیم کسی می آید و تصورمان را تایید می کند ممکن است مبدا تحریک شخص، شیطان باشد؟ همین مسئله در مورد رویاهای صادقه هم سوال است چه بسا شیطان مقدمات حوادث را از طریق اشخاص ایجاد کرده باشد. ۴. آیت الله مصباح فرموده اند گاهی شیطان دعوت به نماز شب می کند تا در نهایت انسان را به فوت واجبی بکشاند اگر سالک بی خبر از مبدا القاء نماز بخواند هیچ ثوابی به او تعلق نمی گیرد؟ او که نمی خواسته دستور شیطان را اطاعت کند برای رضای خدا خوانده. ۵. اینکه شیخ نخودکی بخاطر فوت نماز شبشان فرزندشان غرق شد یا یونس در دهان ماهی رفت این میزان سختگیری به ابرار از باب پاک کردن کامل آلودگی نیست؟ شاید حضرت حق دلش نمی آید بخشی از عقوبت را به برزخ بکشاند. ۶. خیالات مقدمه گناه، گناه اند؟ ۷. حساسیت امام در رد سریع امانت. ۸. استادی در مورد کشف خانمی که سوال و جواب می پرسید و حتی معارفی در اختیارش می گذاشت فرمودند عالمی پرسید که خانم از او بپرسد

کیست؟ بعد از پرسش جواب داده بود فاطمه زهرا (س) بعد هم گفته بود جواب فلان سوال ذهنی ات فلان می شود. عالم فرموده بودند شیطان است. مگر می شود شیطان معرفت هم بدهد؟! اینطور که سنگ روی سنگ بند نمی شود. یا از عالمی می گفتند که کسی دائم به ایشان سلام می داد و خودشان می گفتند که شیطان است. اگر فرشته سلام دهد باید معارفی نصییمان شود ولی شیطان چرا سلام می دهد؟ سلام یعنی آرزوی سلم و امنیت کردن یعنی امیدوارم در امنیت از گناه واقع شوی کمی عجیب است. لطفا توضیح بفرمایید. ۹. چطور می توان مبدا همه القائات را فهمید؟ اگر صرفاً با میزان عقل و شرع باشد برخی الهامات مثل خبر از حوادث دنیوی را نمی شود فهمید. راهی هست؟ علمای بزرگ از کجا می فهمیدند؟ با سپاس بسیار.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در جواب قسمت اول سؤال باید عرض کنم همان طور که در کتاب «ادب خیال و عقل و قلب» مطرح شد؛ شعر از موطن خیال است و خیال پاک، اشعار ارزشمندی را به صحنه می آورد. با این همه اگر بنا بر آن باشد که در موقعیتی خاص عقل پروریده شود و به خیال هرچند خیال پاک، میدان داده نشود باید از شعر و شاعری فاصله گرفت. جواب بقیه ی سؤالتان طلبتان باشد تا موضوعات مخلوط نشود. موفق باشید